

## واکاوی گفتمان هویت ملی در منظومه فکری رهبری

سید صدرالدین موسوی<sup>۱</sup>

ناهید قمریان<sup>\*۲</sup>

مهرنوش خادمی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** ایران از جمله کشورهایی با قومیت‌ها و فرهنگ‌های متعدد و متفاوت می‌باشد که هویت‌های متنوعی را در درون خود جای داده است. با وجود تنوعات هویتی و فرهنگی اما جامعه ایران طی سال‌های طولانی و علی‌رغم مشکلات و بحران‌های فراوان همچنان وحدت و انسجام خود را حفظ کرده است. هدف این مقاله بررسی هویت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌باشد. از آنجا که امنیت ملی رابطه تنگاتنگی با هویت ملی دارد، بررسی این موضوع هم در ساحت نظر و هم در مقام عمل می‌تواند مفید فایده باشد.

**روش‌شناسی پژوهش:** در مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان عناصر هویت ملی ایرانی از دید ایشان در ارتباط با دال برتر اسلام مورد واکاوی قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** از نظر ایشان اسلام یک دال برتر قدرتمند در فضای سیاسی-اجتماعی-فرهنگی کشور است.

**نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، که نگاه مذهبی و فراملی به مسائل سیاسی-اجتماعی-فرهنگی، از جمله هویت ملی، دارند، اسلام دال برتر و انسجام بخش گفتمان هویت ملی ایرانی-اسلامی است که سایر دال‌ها یا عناصر متنوع هویت ملی را در کنار هم مفصل‌بندی کرده و با ایجاد یک منظومه معنایی خاص می‌تواند باعث قوام و پایداری هویت ملی ایرانی-اسلامی بشود.

**کلید واژه‌ها:** گفتمان، هویت ملی، هویت ایرانی-اسلامی، مقام معظم رهبری.

**Email:** sadrmoosavi@gmail.com

۱- دانشیار پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

**Email:** nghamaryan@gmail.com

۲- دانشجوی دکترای رشته مطالعات سیاسی پژوهشکده

امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)

**Email:** khademi.mehrnoosh@gmail.com

۳- دانشجوی دکترای رشته مطالعات سیاسی پژوهشکده

امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

**مقدمه**

هویت ملی<sup>۱</sup> از بالاترین سطوح هویت در هر جامعه است که باعث وحدت و انسجام جامعه شده و امنیت و آرامش را بر جامعه حاکم می‌کند. علاوه بر آن حدود فرهنگی، تمدنی، جغرافیایی و سیاسی یک ملت را از دیگر ملل مشخص می‌کند. نخستین عامل و شرط ضروری برای استقلال هر کشور و رهایی آن از سلطه خارجی شکل‌گیری یک هویت ملی و بومی در آن کشور است، یعنی آن که هویت ملی بر مبنای ارزش‌های بومی در آن کشور شکل می‌گیرد. بنابراین شکل‌گیری یا احیای هویت ملی بومی رمز استقلال هر کشوری و مانعی بر سر راه سلطه قدرت‌های جهانی بر آن کشور است (اصفهانی و دیگران، ۲۰۱۵: ۲۸). هویت ملی به تبع از تعریف هویت امری سیال است که از عناصر مختلفی تشکیل شده و در هر دوره و عصری یک یا چند عنصر آن دارای برجستگی می‌باشد. با این حال برخی از مؤلفه‌ها و اصول آن همواره ثابت و یا با تغییرات کمتری به حیات خود ادامه داده است. بر اساس نظر بسیاری از اندیشمندان شاخه هویت ملی در جامعه ایران از سه حوزه تمدنی ایران، اسلام و غرب تأثیر پذیرفته که در طی زمان و در نظام‌های سیاسی مختلف به یکی از این حوزه‌ها برتری داده شده است. به عبارتی متأثر از ساخت سیاسی قدرت در جامعه، در گفتمان<sup>۲</sup> هویت ملی ایرانی در هر دوره دال مرکزی<sup>۳</sup> و برتر، حاوی مؤلفه یا مؤلفه‌هایی از یکی از سه حوزه ایرانی، اسلامی و غربی بوده است. در عصر کنونی و در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری هویت ملی برآمدی از دو عنصر مهم و پرکاربرد ایرانیت و اسلامیت است که ایشان در وهله دیگر انقلابی بودن را نیز به آن می‌افزایند. عناصری که هویت ایرانی بدون هر یک از آنها ناقص خواهد بود و کارکردهای خود را از دست خواهد داد. در دیدگاه ایشان هر مجموعه‌ی انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد، این هویت جمعی همان هویت ملی است که در اعصار مختلف انسجام‌بخش جامعه ایران بوده است. از دید رهبری در تلفیق عناصر ایرانیت و اسلامیت هویت ملی، وجه اسلامیت بر ایرانیت آن برتری دارد. لذا عناصر مربوط به وجه اسلامی از جمله عناصر فرهنگی و اعتقادی شکل دهنده اصلی به هویت ملی ایرانی است. بر این مبنای پژوهش حاضر تلاشی است برای پاسخ‌گویی به این پرسش که: عناصر گفتمان هویت ملی از دید مقام معظم رهبری کدامند؟ و به صورت فرعی نیز به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که: جایگاه اسلام در مفصل‌بندی گفتمان هویت ملی رهبری کدام است؟

در ادامه مقاله برای پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور و نیز بررسی مفهوم هویت ملی از دید رهبری بر اساس نظریه گفتمان این ایده را مبنا قرار خواهیم داد که به پیروی از کلیت گفتمان هویت، هویت ملی از دیدگاه رهبری در صورتی معنای گفتمانی می‌یابد که: الف) بر پایه غیریت<sup>۴</sup> و در تقابل با هویت غیرایرانی-اسلامی شکل گرفته باشد؛ ب) با برجسته کردن این هویت، هویت غیرطرد و به حاشیه رانده شود؛ ج) برخی ابعاد

- 
1. National Identity
  2. Discourse
  3. nodal point
  4. otherness

هویت برجستگی بیشتری پیدا کرده و به‌عنوان دال مرکزی هویت شناسایی شده باشد (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۹). لذا در رابطه با بند اول و تقابل با هویت ایرانی اسلامی هویت غربی مطرح می‌گردد که غیر و یا به عبارت دقیق‌تر «دیگری» هویت ایرانی و اسلامی است که همواره مدنظر مقام معظم رهبری بوده است و سبب شناسایی و مرزبندی آن با هویت ایرانی اسلامی شده است. با این مرزبندی هویت ایرانی اسلامی برجسته و هویت غرب به حاشیه رانده می‌شود. اسلام (اسلام شیعی) دال برتری است که سبب نظم عناصر این گفتمان و برجستگی عناصری مانند انقلابی بودن، استکبار ستیزی، عدالت‌خواهی، دفاع از مظلومان، استقلال، سرزمین، زبان و ادبیات فارسی ... می‌شود که در این مقاله به‌عنوان عناصر یا دال‌های شناور گفتمان هویت ملی شناخته و مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در اهمیت این موضوع باید عنوان کرد که توجه به مقوله هویت ملی به قدری مهم است که رهبری به اساتید دانشگاه توصیه می‌کنند در کنار تقویت ایمان به خدا باید ایمان به هویت ملی را نیز در جوانان تقویت کرد و تعصبات ملی و این پایبندی‌ها را برای شخصیت و هویت انسان لازم می‌دانند (بیانات، ۲۰۰۳/۰۵/۱۲). علت توجه به این امر را نیز می‌توان در این موارد دید که از دید ایشان الف) هویت ملی اساس هر پیشرفتی است (بیانات، ۲۰۰۷/۰۲/۲۸)؛ ب) هویت ملی ارزش دفاعی دارد (بیانات، ۲۰۰۰/۱۱/۱۴)؛ ج) بحران هویت عامل ذلت و شکست ملت هاست (بیانات، ۲۰۰۱/۱۲/۱۲)؛ د) استکبار در پی ایجاد بحران هویت است (بیانات، ۲۰۰۱/۰۲/۲۷).

روش پژوهش در این مقاله به‌صورت کاملاً کیفی و توصیفی-تحلیلی خواهد بود. داده‌های مورد نیاز نیز به‌صورت آرشیوی از آثار رهبری گردآوری شده است. بدین صورت که با مراجعه به سایت ایشان و همین‌طور کتب، سخنرانی‌ها و نیز مقالات و کتاب‌هایی که درباره اندیشه‌های ایشان نگاشته شده، مطالب مورد نیاز این پژوهش گردآوری و تحلیل شده است.

در این مقاله ابتدا نظریه گفتمان را به‌طور مختصر معرفی و سپس به تعریف مفاهیم هویت و هویت ملی پرداخته و ضمن شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی-ایرانی، به مفهوم هویت ملی از دیدگاه رهبری بر اساس نظریه گفتمان می‌پردازیم و با شناختن دال برتر و دال‌های شناور و همچنین فضای تخصصی و غیریت در این گفتمان به بررسی عناصر و مؤلفه‌های شکل دهنده به هویت ملی در نگاه مقام معظم رهبری خواهیم پرداخت.

## مبانی نظری

### نظریه گفتمان

نظریه گفتمان ریشه در مطالعات زبان شناختی دارد که به تدریج در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی کاربرد یافته است. این نظریه در صدد فهم کنش‌های معنادار و آرمان‌های اجتماعی در زندگی سیاسی و تحلیل شیوه‌هایی است که طی آن سیستم‌های معنایی یا گفتمان‌ها فهم مردم از نقش خود در جامعه را شکل می‌دهند و بر فعالیت‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد (تورفینگ، ۱۹۹۹: ۸۴). از مهم‌ترین نظریه‌پردازان

آن نیز می‌توان لا کلا و موفه را نام برد. که در تعریف گفتمان آن را کلیت ساختار یافته ناشی از عمل مفصل‌بندی می‌دانند (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۲). برداشتی که لاکلا و موفه از گفتمان دارند مؤید خصوصیت رابطه‌ای هویت است.

گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معنایی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند (هوراث، ۲۰۰۰: ۱۰۱-۱۰۲). بر این اساس گفتمان به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که ذهنیت در راستای دو قطب ما و آنها سامان می‌یابد. ما برجسته می‌شود و آنها به حاشیه رانده می‌شوند. بنابراین هویت‌یابی به‌واسطه غیریت‌سازی و غیریت‌ها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه رانی شکل می‌گیرند (سلطانی، ۲۰۰۵: ۱۱۳-۱۱۲).

با توجه به این که گفته می‌شود در گفتمان، هویت امری سیال بوده و هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست بلکه هویتش را از گفتمانی که درون آن قرار گرفته کسب می‌کند (منوچهری، ۲۰۰۸: ۱۰)، مفاهیمی نیز مانند زبان و ادبیات فارسی، دفاع از مظلوم، استقلال، استکبارستیزی، معنویت سیاسی و... در هویت ملی ایرانی اسلامی همگی زمانی هویت می‌یابند و معنا می‌گیرند که در درون بافت کلی‌تر گفتمان اسلام و تشیع قرار بگیرند.

در گفتمان علاوه بر معانی مطرح شده در گفتگو، شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دخیل می‌باشند. به عبارتی گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه اجتماعی خاص خود بوده و پدیده‌ای زمانی و مکانی است که شکل و محتوای آن توسط زمان و مکان و سوژه‌های آن تعیین می‌گردد و در مقابل بر سوژه‌ها نیز تأثیرگذار است؛ موضوعی که بیشترین ارتباط را با بحث مقاله پیش‌رو دارد. در گفتمان هویت ملی ایرانی اسلامی از دید رهبری از آنجا که این اندیشه در ایران بعد از انقلاب اسلامی مطرح شده است به عبارتی بستر زمانی و مکانی آن ایران بعد از انقلاب است که دین اسلام در جامعه محوریت یافته و حتی شکل‌دهنده و انتظام‌بخش ساخت سیاسی جامعه شده است و چون سوژه‌های استفاده‌کننده مردم مسلمان ایران می‌باشند، بنابراین اسلام شکل و محتوای گفتمان هویت ملی را تعیین کرده است و به سبب آن که مرکزیت‌یابی الگوهای هویتی یک گفتمان نتیجه به بار نشستن یک پروژه سیاسی است (نظری، ۲۰۰۸: ۱۲۵)، لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، الگوی هویت اسلامی ایرانی که توسط نظام سیاسی مسلط ارائه و در تمامی ساختارهای جامعه نمایش داده شد، مورد حمایت مردم نیز قرار گرفت. به‌گونه‌ای که مسائلی که از ابتدای انقلاب توسط امام خمینی(ره) و رهبری مطرح گشته مورد حمایت قاطع مردم قرار گرفته و اجرایی شده‌اند.

### دال برتر

گفتمان برای شکل‌گیری به شرایط چندی نیاز دارد از جمله این شرایط و در کنار یک غیریت، وجود یک نشانه(هسته) یا دال مرکزی است که سایر نشانه‌ها در فضای گفتمان حول آن معنا پیدا کنند. از دید لاکلا و موفه معنای نشانه درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی (لاکلاو و موفه، ۲۰۰۶: ۱۱۲) به‌طور جزئی

تثبیت می‌شود. نقطه مرکزی، نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. در گفتمان هویت ملی از نگاه رهبری «اسلام شیعی» به‌عنوان نقطه مرکزی یا دال برتر این گفتمان در نظر گرفته شده است که سایر دال‌ها (نشانه‌ها) معنای نزدیک به آن را به خود جذب می‌کنند و در هم ارزی<sup>۱</sup> با سایر دال‌ها معنایی اسلامی- ایرانی به خود می‌گیرند.

### دال شناور

نشانه‌هایی که معنای آنها تثبیت نشده و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادگی به آنها دارند را عناصر می‌گویند. به عبارتی، عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. دال شناور به حالتی دلالت می‌کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا شناور و معلق است (منوچهری، ۲۰۰۸: ۱۰۸). در گفتمان هویت ملی از دید رهبری نشانه‌هایی مانند استقلال، انقلابی‌گری، زبان و ادبیات، سرزمین، استکبارستیزی و... همه دال‌های شناوری هستند که در ذیل دال برتر اسلام شیعی معنا می‌یابند و در کنار یکدیگر یک منظومه معنایی خاص ایجاد می‌کنند.

### مفصل‌بندی

مفصل‌بندی گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو است (هوراث، ۱۹۹۸: ۱۶۳). آن گونه که لاکلا و موفه می‌گویند: هر عملی که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به‌نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود مفصل‌بندی می‌نامیم (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۰۵). اهمیت هویت جدید حاصل از مفصل‌بندی در این است که توانسته است با گردآوری اجزاء مختلف و ترکیب آنها به ترسیم افق‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی مبادرت ورزد. مثلاً گفتمان هویت ملی ایرانی-اسلامی مفاهیمی مانند اسلام، انقلاب، عدالت، سرزمین، استکبارستیزی، دفاع از مظلوم، ... را با یکدیگر مفصل‌بندی کرده و آنها را در ذیل دال برتر اسلام معنا می‌بخشد.

### خصومت و ضدیت<sup>۲</sup>

خصومت به رابطه یک پدیده با چیزی بیرون از آن اشاره دارد که این بیرون نقش اساسی در هویت بخشی و تعیین آن پدیده ایفا می‌کند. اهمیت مفهوم خصومت یا ضدیت در آن است که هر چیز در ارتباط با غیر هویت می‌یابد (منوچهری، ۲۰۰۸: ۱۱۷). بدون وجود غیر یا دیگری شکل‌گیری یک گفتمان یا پدیده گفتمانی غیرممکن می‌باشد. لذا هر گفتمان واجد مفاهیمی نظیر ضدیت و غیرخودی است که از دو جهت اهمیت می‌یابد: نخست این که موجب ایجاد مرزهای سیاسی و تقابل‌سازی میان خود و دیگری در هر گفتمان هویتی می‌شود. دوم آن که، شکل‌گیری تمایزگذاری‌ها و غیریت‌سازی‌ها در استقرار و تثبیت مرزهای هر گفتمان هویتی نقشی اساسی دارد (نظری، ۲۰۰۸: ۱۶۵-۱۶۴). در گفتمان هویت ملی از نگاه رهبری، این گفتمان

۱. در هم ارزی عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند منحل می‌شوند. منوچهری، ۱۱۳.

2. antagonism

برای ترسیم مرزهای هویتی خود، غرب را به‌عنوان ضد و دیگری هویت اسلامی ایرانی شناسایی و معرفی می‌نماید و بدین صورت سعی در به حاشیه‌رانی این دیگری دارد.

### تعریف مفاهیم

#### هویت

هویت آن بخش از عناصر اصلی شخصیت انسان است که به دنبال عینیت پیدا کردن آن، فرد قادر می‌شود موضع خود را در برخورد با جهان، دیگران و خویشتن به‌صورت شایسته مشخص نماید (فوزی، ۲۰۰۶: ۱۹-۲۰). بدین‌گونه هویت مجموعه‌ای از باورهای ذهنی است که سبب تفاوت‌گذاری میان «خود» و «دیگری» می‌شود و به عمل فردی و اجتماعی در جهت حفظ و تقویت هویت خود و در راستای تخریب و تضعیف هویت‌های دیگر دامن می‌زند (جوادی ارجمند و دیگران، ۲۰۱۴). هویت در تفاوت‌ها نمود پیدا می‌کند و شناخت موضوع محوری این مبحث می‌باشد، شناخت خود در برابر دیگری، لذا اگر فضا یکدست باشد عنصر هویت خود را نشان نمی‌دهد. انسان‌ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می‌کنند (تاجیک، ۲۰۰۰)، بنابراین دیگرسازی و تفاوت و تمایز از ملزومات هویت می‌باشد. با این وجود فرایند هویت‌یابی ممکن است هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی معنا پیدا کند:

#### هویت فردی

بنیادی‌ترین و نخستین سطح هویت، هویت فردی است. هویت فرد با شکل، نام، باورها و سایر ویژگی‌های شخصی و ظاهری تعریف می‌شود. این وجه از هویت با هویت جمع ارتباط و وابستگی تنگاتنگی دارد (نقی‌زاده، ۲۰۰۵: ۲۵۴). این شناخت ابتدایی فرد از خویش براساس رابطه با خانواده و جنسیت است. بنابراین هویت فردی به رابطه میان فرد با خانواده و خویشاوندان و در درجه دوم به جنسیت خود برمی‌گردد. بدین ترتیب هویت شخصی از گوناگونی برخوردار نیست و فرد تنها دارای یک هویت خانوادگی و یک هویت جنسی (مرد یا زن) است (احمدی، ۲۰۰۴: ۸).

#### هویت اجتماعی

هویت اجتماعی (جامعه، ملت) با توجه به باورها، اعتقادات، سوابق و اشتراکات تاریخی، اهلیت و تعلق به مکان و زمان، آرمان‌ها، نژاد، فرهنگ و دین تعریف می‌شود (نقی‌زاده، ۲۰۰۵: ۲۵۴). این نوع هویت در برخی تقسیم‌بندی‌ها در برگیرنده هویت قومی، هویت همسالان، هویت خانوادگی و هویت ملی نیز می‌شود. از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نوع هویت جمعی، هویت ملی است که این مقاله درصدد برجسته کردن این مفهوم از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌باشد. ایشان نیز هویت ملی را شعبه‌ای از هویت جمعی دانسته و تعریفی هنجاری و اعتقادی از آن را ارائه می‌دهند. برای ورود به بحث هویت ملی از نگاه رهبری در ابتدا به تعریف هویت ملی پرداخته و با شناخت عناصر و مؤلفه‌های آن به موضوع هویت ملی ایرانی و هویت ملی از منظر رهبری می‌پردازیم.

### هویت ملی

هویت ملی مفهوم جدیدی است که بیشتر در قرن بیستم وارد مباحث علوم اجتماعی شده است (احمدی، ۲۰۰۹: ۴۰). هویت ملی و قومی از انواع هویت‌های جمعی است و به معنای احساس همبستگی بزرگ ملی و قومی و آگاهی از آن و فداکاری در راه آن است. هویت ملی و قومی در کشاکش تصور ما از دیگران شکل می‌گیرد. ایران در برابر انبران، یونان در برابر بربرها، ترک در برابر تاجیک و عجم در برابر عرب. بنابراین خودآگاهی از هستی ما با آگاهی از هستی دیگران همراه است. ما و بیگانگان دو روی یک سکه‌اند و یکی بدون دیگری بی معناست (اشرف، ۲۰۰۸: ۵۳۳).

احراز هویت ملی که هویتی ترکیبی و مبنایی است، همواره جزء ترجیحات هویتی بوده و معمولاً در سلسله مراتب هویت‌های جمعی در صدر قرار می‌گیرد (چلبی، ۱۹۹۹). به عبارت دیگر هویت ملی به معنی احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارتند از: سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ؛ زبان و ادبیات، مردم و دولت (یوسفی، ۲۰۰۱: ۱۷). از این رو هویت ملی به‌طور ویژه‌ای به‌عنوان بازتولید مداوم و پایدار الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌ها که میراث خاص ملت‌ها و هویت افراد را شکل می‌دهند، می‌باشد که با میراث مشخص و ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایشان در ارتباط است (اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۲۱-۳۰). لذا شخصیت و هویت ملی یک ملت هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که تار و پود یا پدیده‌های ترکیب‌کننده آن، یعنی نمادهای فرهنگی و روحانی ویژه آن ملت یا کشور موجود باشند (مجتهدزاده، ۲۰۰۸: ۱۴۶).

لذا با توجه به موضوع مقاله، تعریفی از هویت ملی مدنظر می‌باشد که متکی بر مبانی اعتقادی و فرهنگی باشد. بر این اساس هویت ملی را مجموعه‌ای از عناصر اعتقادی فرهنگی می‌دانیم که شکل دهنده به رفتار و کردار یک جامعه و عامل تمایز آن از سایر جوامع باشد. بنابراین در این مقاله هویت ملی ایرانی را مجموعه‌ای از عناصر اعتقادی و اسلامی می‌دانیم که در کنار عناصر فرهنگی ایران از زمان باستان تاکنون موجب هویت بخشی به ایرانیان شده است. عناصر و نشانه‌های فرهنگی‌ای که در سایه عناصر و مؤلفه‌های اسلامی مفصل‌بندی شده و تا حدودی معنای اسلامی به خود گرفته‌اند. مثلاً شعر حافظ و سعدی و بسیاری از بزرگان ادبیات ایرانی دارای گرایش‌ها و سرمنشاهای دینی می‌باشد. در ادامه به عناصر انسجام بخش به هویت ملی ایرانی می‌پردازیم تا مدخلی جهت ورود به گفتمان هویت ملی ایرانی اسلامی رهبری باشد.

### هویت ملی ایرانی

مفهوم تاریخی هویت ایرانی در نهضت‌های قومی، سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت؛ در دوران اسلامی با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند، در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به‌صورت هویت ملی ایران متجلی شد (اشرف، ۲۰۰۸). هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیایی خود متأثر از سه حوزه

تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی است و بر این اساس سهم خاصی در شکل‌گیری هویت ملی ما دارند. اما عنصر تعیین‌کننده هویت ملی برای اندیشمندان و متفکران مختلف محل مناقشه بوده و هر کدام یکی از این عناصر را برجسته می‌کنند. در یک نگاه مذهبی که بسیاری از اندیشمندان آن را مطرح می‌کنند و مدنظر نوشتار کنونی نیز می‌باشد عنصر مدرنیته حذف شده است. البته این حذف مدرنیته از فرهنگ و تاریخ ایرانی نه به معنی رد و نفی جنبه‌های فنی و نوآورانه غرب و تأثیر مثبت آن، بلکه به معنای رد آن به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و سازنده هویت و فرهنگ ایرانی می‌باشد. بنابراین سه رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران: ۱) جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن؛ ۲) زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغول و عربی داشته است؛ ۳) دین اسلام که به‌رغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است (زاهد، ۲۰۰۵: ۱۳۳)، معرفی می‌گردد، رکن سوم و به‌طور خاص تشیع عامل معنا بخش و انسجام دهنده به دو مؤلفه ابتدایی می‌باشد. در قسمت بعد ضرورت دارد به تعریف مفهوم هویت ملی از دید رهبری بپردازیم و سپس بر اساس نظم گفتمانی، دال مرکزی و دال‌های شناور این مفهوم را در مفصل‌بندی گفتمانی آن بررسی می‌کنیم.

#### مفهوم هویت ملی در اندیشه رهبری

هویت ملی از مسائل مهمی است که رهبری در مقاطع مختلف و به مناسبت‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. در نگاه رهبری هر مجموعه‌ی انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد که با آن احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کنند. در کشورهای دنیا معمولاً روی مفهوم ملیت تکیه می‌کنند. بعضی جاها هم روی قومیت، اما در گفتمان رهبری هویت جمعی یا همان هویت ملی امری عقیدتی و فراتر از ملیت و قومیت است. ایشان نگاهی اعتقادی، فرهنگی و هنجاری به هویت ملی داشته و بیشتر بر بعد معنوی آن تأکید می‌کنند. در نگاه ایشان هویت ملی امری فرع بر ملت است. ملت‌ها نیز بر اساس فرهنگ مورد شناسایی و تمایز قرار می‌گیرند. ایشان فرهنگ را مهم‌ترین عاملی عنوان می‌کنند که تعیین‌کننده سرنوشت ملت‌هاست (بیانات، ۲۰۰۴/۰۵/۱۷). با توجه به گفتمان فکری رهبری که گفتمانی فرهنگی است، فرهنگ عاملی اساسی در شاکله هویت ملی ایرانی است، آن‌گونه که عنوان می‌کنند: هویت ملی با فرهنگ شکل می‌گیرد. هویت هر ملتی فرهنگ اوست (بیانات، ۲۰۰۴/۰۵/۱۷) فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است (بیانات، ۲۰۰۴/۱۲/۲۸). اما هویتی مطلوب و ارزشمند است که بر اساس فرهنگ دینی و اسلامی و تقوا شکل گرفته باشد. به‌طوری‌که آرمان‌های معنوی و اخلاقی برای هویت بسازد. ایشان عناصر دیگر مانند زبان، جغرافیا، تاریخ، حکومت و ... را در میادای تکوین یک ملت مؤثر می‌دانند ولی برای آنها نقش ذاتی، اساسی و همیشگی قائل نیستند (افتخاری و دیگران، ۲۰۱۴: ۴۲)؛ و اولویت را به عناصر اعتقادی و اسلامی می‌دهند. ایشان معتقدند: هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد.

در منظومه فکری رهبری هویت ملی امری تلفیقی و متشکل از دو بُعد اسلامیت و ایرانیت است. به عبارتی هم به بعد ملی و تاریخی و هم به بعد اسلامی توجه دارند و در این باره می‌فرمایند: هویت ملی هم که می‌گوییم ملیت در مقابل دین نیست، بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست (بیانات، ۲۰۰۶/۱۱/۰۶). ایشان به جای اصالت دادن صرف به عناصر مادی تشکیل دهنده هویت، اولویت را به عناصر فرهنگی و عقیدتی می‌دهند و به این ترتیب ضمن آن که هویت ملی را تلفیقی از دو بُعد اسلامیت و ایرانیت می‌دانند بُعد نخست را بر بُعد دوم اولویت و برتری می‌دهند. باید عنوان کرد در اندیشه رهبری در کنار مؤلفه‌های ایرانیت و اسلامیت؛ مؤلفه انقلابی بودن نیز مطرح می‌گردد که می‌توان آن را در ذیل مؤلفه اسلامیت قرار داد. چرا که در دین اسلام و به ویژه تشیع قیام و انقلاب در برابر ظالمین و مستبدین امری پسندیده و توصیه شده است. از این رو با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان مؤلفه‌های شکل دهنده به هویت ملی را که برخی از آنها جنبه مادی و برخی دیگر جنبه عقیدتی و فرهنگی دارند را از هم متمایز ساخته، و در یک فضای گفتمانی مفصل‌بندی نمود. همان‌طور که برای شکل‌گیری یک گفتمان وجود غیرضروری است در گفتمان هویت ملی رهبری نیز این دیگری به صورت جدی مطرح گشته و سبب مرزبندی هویت ملی ایرانی با دیگری خود می‌شود.

### دیگری در گفتمان هویت ملی از دید رهبری

از آنجا که در نظریه و روش گفتمان برای شناسایی و تمایز خودی نیاز به دیگری و تعیین مرزهای خودی و دیگری است بنابراین دیگری می‌باید مطرح و شناسایی گردد. در گفتمان هویت ملی رهبری نیز این مهم به وضوح مد نظر قرار می‌گیرد. در اندیشه ایشان غرب و فرهنگ غربی دیگری هویت ملی ایرانی است که دارای نشانه‌ها و دال‌هایی است که باید به حاشیه رانده شود تا هویت ملی ایرانی اسلامی برجسته و سبب مفصل‌بندی نشانه‌های هم‌ارز با خود گردد. در گفتمان ایشان فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هرجا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند و هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود، خصوصیت فرهنگ غربی این است (بیانات، ۲۰۱۲/۱۰/۱۴). همه این خصایل فرهنگ غربی در تضاد و ضدیت با فرهنگ ایرانی اسلامی قرار می‌گیرد که دارای ویژگی‌های آرمان‌گرایی، انقلابی‌گری، حمایت از مظلومان، استکبارستیزی و مهم‌تر از همه معنویت سیاسی است. لذا برای رسیدن به این ویژگی‌های هویتی، غرب و مظاهر فرهنگی - مادی آن باید به عقب رانده شود. علاوه بر بُعد ظاهری فرهنگ غرب که کاملاً مادی بوده و در تضاد با فرهنگ ایرانی اسلامی است ایشان باطن فرهنگ غربی را نیز همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت (بیانات، ۲۰۱۲/۱۰/۱۴). می‌دانند. ایشان با بیان این ویژگی‌های فرهنگ غربی، مرزهای گفتمانی هویت ملی ایرانی اسلامی را مشخص نموده و با بیان ضدیت‌های این دو گفتمان به اسطوره‌سازی از گفتمان هویت ملی ایرانی اسلامی می‌پردازند.

### اسلام (اسلام شیعی) دال مرکزی گفتمان اندیشه رهبری

دین یکی از مهم‌ترین عناصری است که هویت یک جامعه را از دیگری متمایز می‌سازد به گونه‌ای که در طول تاریخ، تمام تمدن‌های بشری دارای زیرساخت دینی بوده‌اند (مالرب، ۲۰۰۰: ۱۳). ایران در طول تاریخ طولانی خود همواره یک جامعه دیندار بوده است. دو تمدن هخامنشی و ساسانی نمونه بارز دینداری در جامعه ایران بوده‌اند. با رسمیت یافتن تشیع در دوران صفویه عنصر دین در ایران مراحل تکاملی خود را از توجه به توحید و سپس زرتشتی‌گری تا رسیدن به دین اسلام و مذهب شیعه طی نموده است (زاهد، ۲۰۰۵). این امر نشان از آن دارد که اجداد ما عناصر اصیل ملی را با دین تطبیق داده‌اند و آنچه از آداب و رسوم قومی‌مان که با دین تعارض نداشته حفظ کرده‌اند. تلفیق دین در سایر عناصر هویت ملی به قدری شدید است که موجب یگانگی روحانی و جسمانی در هویت تاریخی شده است (ثاقب‌فر، ۲۰۰۰). همان‌گونه که رهبری نیز می‌فرماید: ملیت ما از اول با اسلام آمیخته بود؛ زبانمان، آدابمان، دانشمان و دانشمندانمان با اسلام آمیخته بودند (بیانات، ۲۰۰۴/۰۵/۱۷).

اهمیت اسلام به عنوان عامل هویت بخش به ملیت ایرانی در جمهوری اسلامی فزونی یافته به گونه‌ای که رهبری از تغییر صد و هشتاد درجه‌ای در عامل هویت بخش ایرانی سخن می‌گوید: جمهوری اسلامی، جهت را صد و هشتاد درجه تغییر داد. ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته از همین هویت اسلامی است. احساس می‌کند که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد. این کاری است که ملت ما بخوبی انجام داده و دارد انجام می‌دهد (بیانات، ۲۰۰۸/۰۵/۰۵) و میان جهانیان به آن مشهور می‌باشد. رهبری معتقد است مسلمان بودن مهم‌ترین ویژگی و وجه مشخصه هویت ملی - ایرانی می‌باشد: هویت ایرانی اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و مشارکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جا افتاده است (بیانات، ۱۹۹۴/۰۴/۱۳). در نهایت در منظومه فکری رهبری، ایرانیان به برکت اسلام توانسته‌اند هویت ایرانی خود را نیز حفظ کنند و لذا اهمیت بعد اسلامی در گفتمان هویت ملی برجسته و دارای اولویت می‌شود. اما اسلام با مؤلفه‌های ایرانی و ایرانی بودن مردم تضادی نداشته و بلکه ضمن هم‌پوشانی دال‌های شناور از هر دو مؤلفه، عامل معنا بخش به سایر نشانه‌های این گفتمان شده از جمله این که نشانه‌هایی مانند عدالت‌خواهی، استقلال، زبان و ادب فارسی و... همه معنایی اسلامی و دینی به خود می‌گیرند که در ادامه به طور مختصر به این دال‌های شناور می‌پردازیم.

### دال‌های شناور گفتمان هویت ملی از دید رهبری

#### انقلابی بودن

یکی از مهم‌ترین نشانه‌هایی که در گفتمان هویت ملی رهبری قابلیت مفصل‌بندی با سایر نشانه‌ها را دارد، مفهوم انقلابی بودن است. انقلابی بودن و قیام در برابر ظالمین و مستبدین و مستکبرین از مهم‌ترین

مؤلفه‌های برگرفته از فرهنگ اسلام است که نمود بارز آن در ایران بعد از انقلاب اسلامی قابل پیگیری است و امروزه هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دال‌های گفتمان هویت ملی به‌شمار می‌رود که رهبری در مقاطع حساس و مختلف به کرات از آن سخن گفته‌اند: هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدان‌های مختلف می‌شناسد (بیانات، ۲۰۱۱/۱۰/۱۷). به زبان دیگر از مهم‌ترین حرکت‌هایی که در خارج از مرزهای ایران، ایرانیان را براساس آن می‌شناسند، قیام و انقلاب‌هایی است که در کشورهای دیگر و به‌ویژه در کشورهای اسلامی با الگوگیری از انقلاب ایران، رخ می‌دهد و این همان راه و روشی است که امروزه جهانیان مردم ایران را بر اساس آن می‌شناسند.

از دیدگاه ایشان روحیه انقلابی ویژگی‌های خاصی دارد از جمله اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به‌دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است (بیانات، ۲۰۰۴/۰۶/۲۱). در نگاه رهبری حفظ و نگهداشت انقلاب اسلامی در واقع نماد اراده انقلابی کشور است؛ اراده‌ی انقلابی و حضور انقلابی؛ هویت انقلابی ملت ایران را نمایان می‌سازد. هویتی که در قرن حاضر از معدود هویت‌هایی است که در ملتی وجود دارد و با وجود گذشت بیش از سه دهه از انقلاب همچنان مستحکم و پابرجاست. از نگاه ایشان تا زمانی که نهادهای انقلابی وجود دارند و وظیفه آنها حراست از انقلاب است بدین معناست که اراده‌ی انقلاب همچنان مستحکم است و انقلاب حضور قاطع در عرصه و صحنه دارد (بیانات، ۲۰۱۵/۰۹/۱۶) و به‌عنوان یکی از عناصر اصلی شاکله هویت ایرانی اسلامی مدنظر می‌باشد.

### استقلال

استقلال از جمله مفاهیم و نشانه‌هایی است که در گفتمان هویت ملی رهبری بیشترین تکرار و فراوانی را داشته و در کنار سایر نشانه‌ها عامل شکل دهنده هویت ملی ایرانی به‌شمار می‌رود. این نشانه دارای بار معنایی چندگانه است از جمله استقلال هویتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... اهمیت استقلال و هویت مستقل در گفتمان هویت ملی به اندازه‌ای است که توصیه رهبری به تقویت آن از سنین پائین و در دوران دانش‌آموزی است. در منظومه فکری ایشان اول چیزی که لازم است برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به‌وجود بیاوریم؛ جوانمان را جوری بار بیاوریم که دنبال سیاست مستقل باشد، دنبال اقتصاد مستقل باشد، دنبال فرهنگ مستقل باشد؛ وابستگی، رُکون به دیگران، اعتماد به دیگران و تکیه به دیگران در وجود او به‌عنوان یک روحیه رشد نکند (بیانات، ۲۰۱۶/۰۵/۰۲)

ایشان وابستگی و نبود خود باوری در جوانان را از عوامل آسیب‌زا برای جامعه دانسته و معتقدند که این مهم نباید در حد شعار باشد. به عبارتی استقلال به این نیست که انسان شعار استقلال بدهد یا حتی مثلاً

در زمینه‌های اقتصادی هم به یک رشد بالایی دست پیدا کند؛ نه، استقلال این است که یک ملت به هویت خود و به عزت خود معتقد و برای آن اهمیت قائل باشد، برای حفظ آن تلاش و کار کند و در مقابل متعرضین و مستهزئین، شرمنده اظهارات و جایگاه خود نباشد (بیانات، ۲۰۰۸/۰۸/۲۳). لذا در گفتمان رهبری مفهوم استقلال نیز بار ارزشی و اعتقادی پیدا کرده و با ارتباط میان مفهوم استقلال و مبانی ارزشی نظام، این نشانه عامل هویت بخش ایرانیان در میان ملل دیگر می‌شود.

ایشان بازیابی حقیقی هویت اسلامی ایرانی را حرکت به سمت عدالت، اخلاق، استقلال حقیقی و استقلال فرهنگی (بیانات، ۲۰۰۹/۰۹/۰۵) می‌داند. امری که ملت ایران با انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس نمونه آن را به نمایش گذاشت و به تعبیر ایشان به یک سوی اصلی درگیری جهانی تبدیل شده است. امروز درگیری جهانی، بین حرکت استکباری و حرکت ارزشی و استقلال ملی و هویتی است که مظهرش انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی است؛ امروز در دنیا این است... خط اصلی و جبهه‌ی اصلی این است (بیانات، ۲۰۱۵/۱۱/۲۵).

### دفاع از مظلومان و مستضعفان

در فرهنگ اسلامی دفاع از مظلوم و ستم‌دیده از واجبات فطری معرفی شده که سبب دفع ظلم ستمگر و دستگیری از ستم‌دیده می‌گردد. با وجودی که به لحاظ تاریخی دفاع از مظلوم از خصلت‌های مهم در فرهنگ و تمدن ایران قبل از اسلام می‌باشد، این خصیصه بعد از اسلام نیز در دفاع از خاندان عصمت و طهارت و بزرگداشت امام حسین(ع) جایگاه خود را در دین مبین اسلام بازیافت (زاهد، ۲۰۰۵: ۱۳۵) و به صورت یکی از عوامل هویت بخش ملی در ایران درآمده است. در دهه‌های کنونی و پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی دفاع از مستضعفین اصلی برگرفته از راه امام(ره) و اسلام است که ملت ایران بدان پایبندند. در گفتمان رهبری نیز این امر بازتاب گسترده‌ای داشته به عبارتی استمرار سیاست‌های هویتی امام راحل در اندیشه مقام معظم رهبری بازتولید شده است: ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نمائیم. خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملت ایران بر اساس آن حرکت می‌کند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است (بیانات، ۱۹۸۹/۰۸/۰۳).

به عبارتی یکی از نشانه‌های معنابخش هم به هویت ملی و هم به انقلاب اسلامی ایران دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان است که از اهداف درجه اول نظام به‌شمار می‌رود. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدف‌های طراز اول است و پای‌بندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است (بیانات، ۱۹۹۰/۰۵/۳۱). این اصل در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز عامل تمایز و برجستگی هویت ملی ایرانی اسلامی می‌باشد.

### استکبارستیزی

روحیه استکبارستیزی از مؤلفه‌های فرهنگی است که پس از انقلاب اسلامی به‌طور رسمی به فرهنگ و ادبیات سیاسی ایران وارد شد و عامل تمایز هویت ملی ایران از سایر کشورها حتی کشورهای مسلمان و همسایه گشته است. رهبری استکبارستیزی را از اصولی می‌داند که مردم ایران همواره طرفدار آن بوده و در طول سال‌های بعد انقلاب سعی در اجرای آن داشته‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: ملت ایران در همه این میدان‌ها بر اصول اساسی پای خواهد فشرد. از جمله این اصول ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه استکبارستیزی از دولت‌هایی است که می‌خواهند در مسائل داخلی کشور ما جای پای بازکنند و دخالت نمایند (بیانات، ۱۹۹۷/۰۵/۰۷). به عبارتی ایشان ورود بیگانگان و استکبار را خطری برای هویت ملی می‌دانند که با هویت زدایی از ملت ایران مطامع استکباری خویش را پیش برند. وی همچنین علت دشمنی آمریکا را فرهنگ استکبارستیزی مردم می‌داند (بیانات، ۱۹۹۷/۱۱/۰۵).

از نگاه رهبری استکبارستیزی بدین معناست که یک ملتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود (بیانات، ۲۰۱۴/۱۱/۰۳)، امری که امروزه از شاخصه‌های هویت ملی اسلامی ایرانی شده و در دنیا مردم ایران را به استکبارستیزی و عدم تحمل سلطه مورد شناسایی قرار می‌دهند. به‌عبارتی یک مرز هویتی میان کشورهای سلطه‌گر و کشورهای سلطه‌ستیز ایجاد شده که کشور ما نمونه بارز آن می‌باشد.

### عدالت خواهی

عدالت و عدالت‌خواهی از مفاهیم و موضوعات مشترک در میان بسیاری از جوامع و ملل است. در میان ایرانیان نیز عدالت‌خواهی از جمله ویژگی‌های هویتی و فرهنگی می‌باشد که از زمان باستان تاکنون وجود داشته و حتی افسانه‌ها و اسطوره‌هایی در رابطه با قهرمانان برقراری عدالت در کتاب‌های مهمی چون شاهنامه فردوسی دیده می‌شود. مقام معظم رهبری یکی از آرمان‌های انسان ایرانی را عدالت‌خواهی بر می‌شمارد و هدف مردم از انقلاب اسلامی و در حقیقت فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی را استقرار عدالت می‌داند (بیانات، ۱۹۹۰/۰۵/۳۱). عدالت‌خواهی در عصر حاضر و در دوران انقلاب اسلامی به‌عنوان یک اصل اساسی که علاوه بر وجه هویتی و فرهنگی، مبنای نظام سیاسی را نیز تشکیل می‌دهد، مورد توجه قرار گرفته است. در نظام اسلامی عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام باید به جد و جهد و با همه اخلاص درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند (بیانات، ۲۰۰۵/۰۱/۰۵).

مقام معظم رهبری علاوه بر این که همواره بر تحقق عدالت در جامعه ایرانی تأکید کرده‌اند، مطالبه عدالت را به‌عنوان یکی از وظایف مهم در جامعه تلقی کرده و همگان را به مطالبه عدالت فراخوانده‌اند از جمله مدیران اجرایی و حتی دانشجویان. وی یکی از آرمان‌های انسان ایرانی را عدالت‌خواهی بر می‌شمارد و هدف مردم از انقلاب اسلامی و در حقیقت فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی را استقرار عدالت می‌داند (سخنرانی در ۱۹۹۰/۰۵/۳۱).

### سرزمین

سرزمین از اولین عناصر مادی و البته بنیادی تشکیل دهنده هویت ملی می‌باشد. در واقع هویت ملی در وهله نخست یعنی احساس تعلق و وابستگی نسبت به یک سرزمین معین و مشخص. به همین دلیل برخی از محققان سرزمین را یکی از مؤلفه‌های اساسی شکل‌گیری هویت ملی در ایران می‌دانند و سرزمین را در کنار عوامل دیگر هسته سخت هویت ملی ایرانیان معرفی می‌کنند (احمدی، ۲۰۱۱: ۳۷۹). لذا در نگاه رهبری سرزمین تا آن هنگام به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی قابل پذیرش است که در مقابل اسلام قرار نگیرد زیرا از دیدگاه ایشان آنچه اصالت دارد مؤلفه‌های فرهنگی و عقیدتی هستند و مؤلفه‌های مادی شکل‌دهنده به هویت ملی، تنها تا جایی قابل پذیرش‌اند که در تضاد با این مؤلفه‌ها قرار نگیرند (سمیعی و دیگران، ۲۰۱۵: ۳۴). با این وجود ایشان ایران و ایرانی بودن را هویت ملی و مایه افتخار و مباهات می‌داند و در رابطه با پابندی به آن تأکید می‌کنند که: باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد؛ طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد (بیانات، ۲۰۰۶/۱۰/۰۵).

### زبان و ادبیات فارسی

زبان و ادبیات فارسی یکی دیگر از عوامل مادی و ایرانی شکل‌دهنده هویت ملی به‌شمار می‌رود. این نشانه عامل مشترک میان دیدگاه‌های متعدد درباره هویت ملی بوده که در گفتمان رهبری نیز مطرح و بر اهمیت بنیادین آن تأکید می‌گردد. اهمیت زبان و خط به اندازه‌ای است که می‌فرمایند: هویت ملی ما به زبان و خط ماست (بیانات، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳). از دیدگاه ایشان زبان استخوان فقرات یک ملت (سخنرانی در ۲۰۰۵/۰۵/۰۲) و کانال عمده انتقال فرهنگ اوست (سخنرانی در ۱۹۹۳/۰۸/۱۳) به همین دلیل است که کشورهای مقتدر دنیا تلاش می‌کنند که زبان خودشان را در دنیا ترویج دهند. در رابطه با زبان فارسی گفته می‌شود که این زبان همواره نقش ویژه‌ای در پایداری و حیات ایرانیان و وحدت ملی ایفا کرده است. در حقیقت زبان فارسی همیشه چون حلقه‌ای مرئی و نامرئی، هویت فرهنگی و ملی مردم ایران و اقوام آن را به یکدیگر پیوند داده و همچنان عامل اصلی وحدت ملی ایرانیان است (فلاح، ۲۰۰۸: ۳۰). در منظومه فکری رهبری زبان فارسی یک میراث عظیم و باشکوه و رمز هویت ملی ماست. ایشان زبان فارسی را از عوامل انفکاک‌ناپذیر هویت ملی دانسته و آن را امری می‌دانند که در طی سال‌ها پابرجا بوده و در هیچ فرهنگ و هویتی استحاله نگردیده است (بیانات، ۲۰۱۵/۱۱/۱۱). اگر چه این عنصر نیز مانند سرزمین عنصری است که متأثر از دال برتر اسلام بوده اما تا جایی که در تضاد با اسلام قرار نگرفته باشد قابل پذیرش و استناد می‌باشد. در کنار زبان فارسی، ادبیات و به‌ویژه شعر کارکرد هویت بخش ملی دارد. از دیدگاه رهبری موضوع مهم، کارکرد اجتماعی شعر است؛ شعر، حافظ هویت ملی است (بیانات، ۲۰۱۴/۰۷/۱۲) و به‌عبارتی هویت فرهنگی و ملی را تقویت می‌کند. با این وجود ادبیات و شعر فارسی در گفتمان اسلامی بار معنایی اسلامی و مذهبی نیز به خود می‌گیرند. اشعار بزرگان فارسی ملو از پیام‌های با ارزش است: پیام توحید است، پیام خداپاوری است، پیام درستکاری است (بیانات، ۲۰۱۴/۰۷/۱۲). در گفتمان رهبری زبان و ادبیات فارسی نقشی تکوینی در فرایند

هویت ملی ایرانیان دارد. به‌گونه‌ای که امروزه بخش بزرگی از جهان، ایران را با حافظ، سعدی، مولوی، خیام و بسیاری دیگر از بزرگان حوزه شعر و ادب پارسی می‌شناسند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد اندیشه‌های رهبری در مورد هویت ملی بر اساس نظریه گفتمان مورد واکاوی قرار گیرد و به این سؤال که عناصر گفتمان هویت ملی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری چیست پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان داد که در منظومه فکری رهبری هویت ملی متشکل از دو مؤلفه مهم اسلامیت و ایرانیت می‌باشد که بُعد اسلامیت بر ایرانیت آن رجحان داده می‌شود. اما بُعد ایرانی بودن آن هم جزء لاینفک هویت ملی بوده، به طوری که بدون مؤلفه‌های ایرانی بودن نمی‌توان موجودیتی برای هویت ایرانی قائل شد. با توجه به اصول نظریه گفتمان که وجود یک غیر یا دیگری را برای تعیین مرزهای گفتمان ضروری می‌نماید، در این مقاله غرب به‌عنوان دیگری گفتمان هویت ملی اسلامی- ایرانی مورد شناسایی قرار گرفت. به عبارت دیگری که در گفتمان هویت ملی رهبری ترسیم می‌گردد غرب است که به‌عنوان دیگری هویت ملی ایرانی- اسلامی مطرح شده و سعی در به حاشیه راندن آن برای هژمونیک شدن گفتمان هویت ملی ایرانی- اسلامی است. در این دیگر سازی غرب موجودیتی است که در ضدیت با فرهنگ ایرانی- اسلامی قرار دارد و هر آنچه غرب هست هویت ملی ایرانی- اسلامی نیست. در این فضای تقابل گفتمانی ابعادی که برجستگی بیشتری پیدا می‌کنند ابعاد فرهنگی و اعتقادی می‌باشند که بر ابعاد مادی برتری دارند. مهم‌ترین بُعد فرهنگی و اعتقادی در شکل‌دهی به هویت ملی، اسلام و به‌عبارت دقیق‌تر اسلام شیعی می‌باشد. بر این اساس اسلام به‌عنوان دال مرکزی گفتمان هویت ملی ایرانی- اسلامی رهبری مطرح می‌شود که در حول آن دال‌های شناور از دو حوزه اسلامی و ایرانی قرار گرفته و معنا می‌یابند. از جمله این دال‌ها می‌توان به دال انقلابی بودن، استقلال، دفاع از مظلومان، استکبار ستیزی، عدالت‌خواهی، سرزمین، زبان و ادبیات فارسی... اشاره کرد.

### References

- Abulhasani, S. R. (2008). "The Elements of national identity through a research approach", *Politics Quarterly*, Vol 38 (4): 1-22. (In Persian)
- Ahmadi, H. (2009). *Foundations of Iranian national identity: A theoretical framework for citizen-based national identity*, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Boroujerdi M. (2000). "Iranian culture and identity beyond the border", *National Studies Quarterly*, 5 (2): 317-330. (In Persian)

- Chalabi, M. (2009). *Ethnic and national identity in Iran, Tehran: Department of Social Affairs, Ministry of Interior.* (In Persian)
- Eftekhari, A., Asadi, A. Nezhad, A. (2014). “Nationalism and national identity in Ayatollah Khamenei’s thought”, *Islamic Revolution Quarterly*, vol. 3 (11): 19-43. (In Persian)
- Fallah, M. (1998). “The role of Persian language in the spread of national and cultural identity of Iran”, *National Studies Quarterly*, 9 (2): 3-30. (In Persian)
- Fozi, T. Y. (2006). “Imam Khomeini and the issue of national identity”, Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
- Jørgensen, M., Phillips, L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*, [H. Jalili, Trans.] London: Sage Publications. Tehran, Nei Publishers. (In Persian)
- Manuchehri, A. (2008). *Attitude and method in political science*, Tehran: Samt. (In Persian)
- Mojtahezhadeh, P. (1998). “Iranian identity at the threshold of 21<sup>st</sup> century”, *The Journal of Political and Economic Information*, 129&130.
- Nazari, A. A. (2008). “Explanation of the concept of identity through discursive approach”, *Strategy Quarterly*, 17 (49): 161-180. (In Persian)
- Sami’i Isfahani, A., Qahsareh, A. R., Nouri, N. (2015). “Reunderstanding the dimensions, components and threats to the Iranian-Islamic identity in viewpoint of Imam Khomeini and the Leader”, *Islamic Revolution Studies*, 12 (42): 27-44. (In Persian)
- Sultani, A. A. (2003). *Power of discourse and language: Mechanisms of the power in the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Nashr Nei. (In Persian)
- Sultani, A. A. (2003). *Power of discourse and the press*, Tehran: Faculty of Literature, Allameh Tabatabai University Press. (In Persian)
- Tajik, M. (2000). “Iranian intellectual and the enigma of national identity”, *National Studies Quarterly*, 5 (2): 176-159. (In Persian)
- Thaqebfar, M. (2000). *Ferdowsi’s Shahnameh and philosophy of history in Iran*, Tehran: Qaterh and Moin Publishers. (In Persian)
- Torfing, J. (1999). *New theories of discourse*, London: Oxford Publication, in Nazari (2008).
- Yousefi, A. (2001). “Inter-ethnic relations and their impact on national identity of ethnic communities in Iran”, *National Studies Quarterly*, 2 (8): 13-32. (In Persian)
- Yousefi, A., Hashemi, S. M., Bostan, Z. (2012). “Critical discourse analysis of Iranian identity in Ferdowsi’s Shahnameh (Case study of Siavash story)”, *Historical Sociology*, 4 (2): 145-172. (In Persian)
- Zahed, Saeed (2005). “National identity of Iranians”, *Yaas Strategy Quarterly*, 1(4): 129-138. (In Persian)